



## نقش حیاط مرکزی در خانه های ایرانی

فرزانه زکی زاده\*

فرحناز زکی زاده

1- فرزانه زکی زاده قریه علی، استان البرز، شهر کرج، میدان طالقانی، خ فرهنگ، کوچه تربیت

28، پ. 106، واحد 2، fzakizadeh10@yahoo.com

2- فرحناز زکی زاده قریه علی، استان البرز، شهر کرج، میدان طالقانی، خ فرهنگ، کوچه تربیت

28، پ. 106، واحد 2، fzakizadeh10@yahoo.com

### چکیده

بر اساس آثار به جای مانده از خاتمه های کهن تاریخی که از هزارهای ششم پیش از میلاد به بعد در بسیاری از نقاط ایران وجود داشته اند، هر خانه به طور معمول از دو بخش - یکی فضای ساخته شده و محصور، و دیگری فضای باز (حیاط) - تشکیل می شود. زیرا در نواحی مرکزی و جنوبی ایران هوا در طول سال به گونه ای بوده است که مدتی از سال هوا سرد و حدود نیمی دیگر معتدل و گرم بوده است و بخشی از فعالیت های مربوط به سکونت در اوقات مناسب سال در فضای باز صورت می گرفت. با وجود آنکه نقش پدیده های جغرافیایی و محیطی در شکل گیری فضای باز یا حیاط خانه ها آشکار است، اما می توان عوامل فرهنگی را به عنوان عوامل اصلی شکل دهنده انواع حیاط در خانه های سنتی را نام برد. و هدف از انجام این پروژه در وهله نخست توجه به عوامل جغرافیایی (اقلیم) در شکل دهی به فضای باز (حیاط) خانه هاست، و در وهله دوم ارائه نوعی دسته بندی برای گونه بندی انواع حیاط در خانه هاست.

فضای باز حیات مرکزی با محوریت خود، ابعاد معین، جهت گیری و مکان یابی هدفمند، عنصری تعیین کننده در حفظ انرژی بوده است. در این مناطق بافت متراکم موجبات همسازی با اقلیم را فراهم آورده است و صرفه جویی در مصرف انرژی به واسطه تقلیل ستوه در معرض تابش مسیر شده است. حفظ انرژی از طریق درهم فشردن واحدهای مسکونی فراهم آمده به گونه ای که بعضاً برخی از واحدهای مسکونی حتی از چهار جانب به واحدهای دیگر متصل هستند.

در این خانه ها استفاده از منابع و انرژی های طبیعی نظیر باد و خورشید یکی از اصول ساخت و سازمان فضایی است. فضاهای باز مرکزی در دل هر تک بنا دستیابی به این اصل را هموار کرده اند به گونه ای که بدون استفاده از سوخت های فسیلی، ساکنان در فصل گرم در برابر گرما حفظ شده و در فصل سرد بیشترین بهره را از انرژی لایزال خورشید ببرند. حیات مرکزی اصلی ترین فضای خانه های کویری است. این خانه ها از نظر وضعیت استقرار نوعاً در جهت قبله قرار دارند و فضاها حول حیاط مرکزی سازمان دهی شده اند. حیاط با حرکات خورشید هماهنگ است، صفا جنوبی منزلگاه سایه و صفا شمالی شاه نشین و جایگاه خورشید است. این نوع سازمان دهی و جهت گیری، فضاهای تابستانی و زمستانی را به طور منطقی پیرامون مرکزی قرار داده است. سازندگان خانه با توجه به تاثیر گردش خورشید بر جبهه های مختلف، هر جبهه را به فصلی و ساعتی اختصاص داده اند. با عنایت به این موضوع، جبهه رو به آفتاب، بخش زمستان نشین، جبهه پشت به آفتاب، بخش تابستان نشین و جبهه غربی برای ساعاتی از روزهای سرد زمستان در نظر گرفته شده و برای پرهیز از تابش گزنده آفتاب به جبهه شرقی، در بیشتر موارد در این قسمت طاق نما ساخته اند (معماریان، 1384). یکی از نتایج مهم این پژوهش، دستیابی به نقش مهم حیاط مرکزی در خانه های ایرانی است.

واژگان کلیدی: معماری ایران، حیاط، حیاط مرکزی، هویت، محرمیت



## مقدمه و بیان مسئله:

حوزه رواج خانه های حیاط دار در کشورهای اسلامی زنجیره ای طولانی از ایران تا شمال آفریقا را شامل می شود. این زنجیره کشورهای ایران، عراق، سوریه، مصر، لیبی، تونس، الجزایر و مراکش را در بر می گیرد. در هر کدام از مناطق یاد شده معماری خانه های حیاط دار با توجه به ویژگی های اقلیمی هر محل و فرهنگ معماری رایج شکل گرفته است. با وجود ویژگی های خاص هر محل روح اعتقادی حاکم بر همه نشات گرفته از اعتقادات اسلامی و ایجاد حریم برای زندگی خصوصی و اهل خانه است. در اینجا حیاط و سازماندهی فضاهای مختلف دورادور آن نقش مهمی برای رسیدن به این هدف ایفا کرده است. حیاط در بیشتر این کشورها شباهت زیادی به حیاط های شهرهای ساحلی ایران در خلیج فارس و بوشهر دارد. حیاط یا فضای باز در واحدهای مسکونی، کارکردهای بسیار متنوعی دارد که یکی از آن ها نقش و کارکرد فرهنگی و آیینی است. در ساختمان هایی که حیاط مرکزی محصور داشتند، یکی از کارکردهای مهم عبارت بود از ایجاد فضایی امن و محدوده ای که حریم خانواده به شمار می رفت و از دیدرس افراد نامحرم و غریبه دور بود. این کارکرد مهم حیاط در نواحی دارای خانه های درون گرا سبب شده است که برخی از پژوهشگران بیان دارند که همین کارکرد حیاط موجب پیدایش آن شده است و در این زمینه پدیده های فرهنگی را عامل شکل گیری آن بدانند. در این مقاله به نقش حیاط مرکزی در خانه های ایرانی می پردازد تا شاید به احیای معماری بومی ایرانی کمک هرچند کوچکی نماید.

## روش تحقیق

یکی از مهمترین بخش های پژوهش تعیین روش و ساختاری است که به کمک آن پژوهش به انجام می رسد. در این پژوهش از طریق مطالعات اسنادی شناخت موضوع صورت می پذیرد. متون و منابع موجود در مورد نقش حیاط مرکزی در خانه های ایرانی مطرح می گردد و بدین ترتیب این پژوهش با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه ای شکل می گیرد.

## گوناگونی معماری مسکن در ایران

سرزمین بزرگ ایران از معدود کشورهای جهان است که در طول تاریخ حیات خود ارائه دهنده یک نوع فرهنگ معماری خاص به جهان معماری بوده است. ویژگی های مهم فرهنگی و جغرافیایی ایران باعث شده است تا تنوع بسیار زیادی در معماری آن وجود داشته باشد. اگر بخواهیم به تبعیت از تقسیم بندی های جغرافیایی موجود به بررسی اجمالی معماری مناطق مختلف بپردازیم خواهیم دید که حتی یک منطقه ی جغرافیایی محدود عرضه کننده گوناگونی هایی در معماری نقاط مختلف آن است. هر محقق برای آشنایی با معماری ایران و عناصر مختلف مانند: مسکن، مسجد، کاروانسرا، حمام و غیره نیاز به تقسیم بندی هایی برای کار خود دارد. هر چند که دو عامل زمان و مکان نیروی محرک این محقق میباشند اما انتخاب عناوین گونه شناسی برونگرا و درونگرا در تنظیم و گردآوری کار به ما کمک بیشتری میکند.

بحث گونه شناسی معماری از اواخر قرن نوزدهم میلادی در بعضی از کشورهای اروپایی مطرح شده است. در ابتدا با این موضوع بصورت خیلی کلیشه ای برخورد میشد و به دسته بندی بناها بر اساس یک ویژگی مشترک می پرداختند. بعدها بانگرش عملکردی به بنا دسته بندی بناها بر اساس نوع عملکرد مانند مدرسه کلیسا بیمارستان و غیره اعم از بناهای قدیمی و جدید انجام شده است. یکی دیگر از روش های دسته بندی در این زمان تقسیم بناها با ویژگی های مشترک نقشه آنها مثل نقشه های با پلان مرکزی مدور هشت گوش و چهار گوش بوده است.



## همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران

یزد - بهمن ماه ۱۳۹۴

National conference of native architecture & urbanism of IRAN



### گونه شناسی برونگرا

گونه ای از معماری مسکن با ویژگی هایی از قبیل داشتن ارتباط بصری و فیزیکی مستقیم با فضای بیرون خانه نداشتن حیات گسترش در ارتفاع و سازماندهی فضایی نسبت به یک فضای دیگر مثل دالان میباشد. نمونه های این نوع معماری در ماسوله و کندوان و مجن قابل رویت است.

### گونه شناسی درونگرا

آشنایی با معماری مسکونی ایرانی گونه شناسی درونگرا به بحث درباره ویژگی های درونگرایی در معماری مسکونی میپردازد. نمونه های این نوع معماری در شیراز و یزد قابل رویت است. شهر بوشهر را میتوان حلقه اتصال بین دو معماری برونگرا و درونگرا دانست. همیشه خانه درونگرا برابر با خانه ی دارای حیات مرکزی نیست. در بعضی از مناطق ایران مانند زواره صفا ها و بخصوص نوع چهار صفا آن نقش یک حیات را در سازماندهی یک خانه دارد و حیات سرباز خانه در فصلی از سال مورد استفاده قرار میگرفته است.

### درونگرایی

می توان درونگرایی را بارزترین مشخصه رعایت سلسله مراتب دانست و یا آن را ثمره محرمیت قلمداد کرد. درونگرایی مفهومی است که به صورت یک اصل در معماری ایران وجود داشته است و با حضوری آشکار به صورتهای متنوع قابل درک و مشاهده است درونگرایی در جستجوی حفظ حریم محیطی است که در آن شرایط کالبدی با پشتوانه تفکر، تعمق و عبادت به منظور رسیدن به اصل خویش و یافتن طمأنینه خاطر و آرامش اصیل در درون، به نظمی موزون و متعالی رسیده است. به طور اعم و بر اساس تفکر شرقی و در سرزمینهای اسلامی؛ جوهر فضا در باطن است و حیاط درونی، به وجود آورنده اساس فضا است. معماران ایرانی با سامان دهی اندام های ساختمان در گرداگرد یک یا چند میان سرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا می کردند و تنها یک هشتی این دو را به هم پیوند می داد. اصولاً در ساماندهی اندام های گوناگون ساختمان به ویژه خانه های سنتی، باورهای مردم، بسیار کارساز بوده است. یکی از باورهای مردم ایران ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن و نیز عزت نفس ایرانیان بوده که این امر به گونه ای معماری ایران را درون گرا ساخته است.

در فرهنگ این نوع معماری، ارزش واقعی به جوهر و هسته باطنی آن داده شده است و پوسته ظاهری، صرفاً پوششی مجازی است که از حقیقتی محافظت می کند و غنای درونی و سر بسته آن تعیین کننده جوهر و هستی راستین بنا است و قابل قیاس با وجوهات و فضای بیرونی نیست.

خانه های درونگرا در اقلیم گرم و خشک، همچون بهشتی در دل کویر هستند، فضای درونگرا مانند آغوش گرم بسته است و از هر سو رو به درون دارد.

دو دالان یکی از بخش بیرونی و دیگری از بخش اندرونی خانه به هشتی راه داشتند. اندرونی جایگاه زندگی خانواده بوده و بیگانگان بدان راه نداشتند. بیرونی، ویژه مهمانان و بیگانگان بود که جداگانه پذیرایی می شدند و گاهی مهمانان در بالاخانه (اتاق روی هشتی) که به اندرونی نزدیک بود پذیرایی می شدند.

در معماری سنتی ایران، خانه در بافت های شهری پیوسته، متراکم و درونگرا، فضایی خصوصی برای زندگی خانوادگی به حساب می آمد که معمولاً اصل محرمیت در طراحی و احداث آن رعایت می شد تا افراد خانواده از دید اشخاص نامحرم (غیر خودی) محفوظ باشند. بر اساس همین دوگانگی (خودی و غیر خودی) فضای معماری ساخته شده نیز از دو بخش اندرونی (فضای خودی) و بیرونی (فضای غیر خودی) تشکیل شده بود. اندرونی مکان اعضای درجه یک خانواده، بویژه زنان، محسوب می گشت، در حالی که



## همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران

یزد - بهمن ماه ۱۳۹۴

National conference of native architecture & urbanism of IRAN



بیرونی محل آمد و شد میهمانان و افراد خارج از خانه بود. با کمی تأمل در تاریخ و ادبیات داستانی کشورمان به خوبی می توان این نوع نگرش را در جدایی فضاهای خصوصی و عمومی در جامعه سنتی و گذشته ایران دید. (بانی مسعود، 1388)

واژه درونگرایی قبل از اینکه رنگ معماری بخود بگیرد از دیدگاه اخلاقی و عرفانی نیز در بر گیرنده معانی و مفاهیمی میباشد. تودار بودن گرایش به حالات درونی و پرهیز از نشان دادن آن حالات به صورت تظاهر بعضی از این معانی میباشد. بحث نپرداختن به ظاهر و در عوض کار بر روی درون و حالات درونی از طرف بعضی از کار آشنایان به مباحث معماری به داخل این عرصه نیز کشیده شده است تا جایی که معماری ایران را از این نظر که در نمای بیرون آن و در گذرهای پرپیچ و خم چیزی جز خشت و گل دیده نمی شود ولی در داخل دنیایی از پرکاری و زیبایی دارد درونگرا نامیده اند.

### ویژگی های یک خانه درونگرا

1- نداشتن ارتباط بصری مستقیم فضاهای داخل با فضاهای شهری بیرون خود.

2- فضاهای مختلف آن را عنصری مانند حیاط و یا صفا های سرپوشیده سازماندهی کرده است به نحوی که روزن ها و بازشوها به طرف این عناصر باز شوند.

نداشتن ارتباط بصری مستقیم با فضاهای شهری را میتوان از دو زاویه دید اقلیمی و فرهنگی مورد بررسی قرار داد. بخش بزرگی از سرزمین ایران دارای آب و هوایی گرم و خشک با بارندگی کم همراه با طوفان های شن و آفتابی سوزان است. سازندگان بناهای این مناطق با شناخت این ویژگی های محلی-جغرافیایی خانه را طوری طراحی کرده اند که هر نوع ارتباط مستقیم با عوامل جغرافیایی یاد شده قطع و محیطی امن برای اهل خانه فراهم گردد. برای مثال در شهر یزد جهت جلوگیری از نفوذ طوفان های شن به داخل خانه بسته نگاه داشتن محیط بیرونی خانه و ساخت دیوارهای بلند بدون منفذ است. همچنین با توجه به محیط گرم و خشک اطراف و بافت متراکم فاقد فضای سبز عمومی حیات داخل خانه محیطی مناسب برای ایجاد یک باغ کوچک و حوض آب است. موضوع امنیت جانی و حفظ خانواده در برابر حملات بعضی غارتگران که با ایجاد یک محیط بسته و دیوارهای بلند عملی میشده از دیگر عوامل است.

بحث دور نگاه داشتن حریم مقدس خانواده از دید غیرحداقل تاریخ خانه های درونگرای ایران را پس از ظهور اسلام دگرگون کرده است. هرچند که تاریخ پیدایش خانه های درونگرا به پیش از اسلام می رسد ولی دین اسلام با جنبه تقدس بخشیدن به حریم خانواده و الهی کردن آن آن را تا اعماق تفکرات سازندگان ایرانی رسوخ داد. از این رو سازنده خانه با رعایت مسائل جغرافیایی حریمی امن برای خانواده به وجود آورده است. طراحی این حریم به اشکال مختلف در یک یا چند حیاط صورت گرفته است. در این روند خانه های شاخص چند حیاطه با حیاط های اندرونی و بیرونی ساخته شده اند.

در شکل دهی خانه های درونگرا حیاط نقش مهمی داشته است از این رو لازم است که اشاره ای به این عنصر مهم در طول تاریخ معماری داشته باشیم. در خانه های درونگرا که سازماندهی فضاها نسبت به حیاط شکل می گرفته است.

### محرمیت

یکی از مهمترین اصولی که در معماری سنتی ایران زمین بالاخص پس از اسلام مورد توجه قرار گرفته است، اصل محرمیت می باشد که به بهترین وجه در تمامی بناها از بناهای عظیم و بزرگ عمومی تا خانه های مسکونی و از فضاهای عمومی شهری تا فضاهای نیمه عمومی و خصوصی تر به کار گرفته شده است.



## همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران

یزد - بهمن ماه ۱۳۹۴

National conference of native architecture & urbanism of IRAN



واژه محرمیت از ریشه عربی (حرم) در لغت نامه دهخدا به شکل زیر تعبیر شده است: محرم بودن. محرمی. رازداری. خویشی و در معنی محرم آمده است کسی که اذن دخول در حرم و خانه شخصی را دارد.

خویشاوند. خویش. آشنا. اهل سیر و آنکه در نزد وی بتوان راز را به ودیعه گذاشت. معتمد. ندیم، مقرب. خودی. یگانه. رازدار.

محرم شدن؛ رازدار شدن. معتمد کسی گشتن در حفظ اسرار

نامحرم؛ بیگانه. ناموافق و نامعتمد

حریم؛ پناهگاه. خانه شخص و اطراف آن که از تعرض دیگران در پناه است

واژه حریم در لغت به معنی پیرامون، گرداگرد خانه، مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب باشد، است. حریم کلمه ای عربی است و به معنی منع هم می باشد. حریم مرز ایجاد می کند، ولی فقط داشتن جدایی نیست. درست است که حریم هاله ای را به وجود می آورد و مانع از تجاوز دیگران می شود؛ ولی این حریم ضمن اینکه تمامیت آدم را حفظ می کند، حریم دیگری را نیز نگه

می دارد. حریم طرفین را به هم پیوند می دهد، بی آنکه دربیامیزد، یکی می داند بی آنکه به اختلاط بگراید (نورانی، 1387)

در واقع فضایی را می توان فضای محرم دانست که از نظر کالبدی برای استفاده کننده دارای حریم، مصونیت و امنیت بوده و کیفیات فضایی آن به گونه ای باشد که آرامش و آسایش فرد را تامین نماید پرواضح است که امنیت داشتن بصری در این فضا تنها بخشی از ویژگی های آن است.

### حیات

حیات در فرهنگ دهخدا به معنی محوطه و هر جای دیوار بست و سرای خانه آمده است. واژه های دیگری مثل ساحت صحن، میان سرا، صحن سرای نیز به همین معنی هستند. ریشه لغوی واژه حیات هند و اروپایی است و واژه هایی که از ریشه هند و اروپایی به معنی در بر گیرنده و یا حصار کردن است در بعضی مدارک قرون وسطی آمده است.

واژه حیات، هم برای فضای باز خانه ها به کار می رفت و هم در مواردی برای فضای باز برخی از ساختمان های عمومی و دیوانی، چنان که درباره دیوانخانه شهر استر آباد چنین نوشته شده است: «تلگرافخانه در سر در عالی قاپو واقع و مشتمل بر سه اطاق و دو ایوان از یک طرف به میدان توپخانه و از طرف دیگر به حیات دیوانخانه منظر دارد. حیات دیوانخانه شباهت تامی به دیوانخانه دارالخلافه [دارد] ایوان رفیع و اطاق های تحتانی و فوقانی به عین به ایوان تخت مرمری نماید. باغچه ای در پشت دیوانخانه است که از آنجا به عمارت کلاه فرنگی و دیوانخانه دیگر و حیات نارنجستان و عمارت سلیمانخان و اصطبل می رود.» (محمد علی قورخانچی 1356، 26)

### حیات مرکزی

حیات مرکزی، نامی است که به طور معمول به انواع متنوعی از حیات هایی گفته می شود که در آنها دست کم در یک سمت و دست بالا در چهار سوی آن ها فضای ساخته شده وجود دارد و تنها - یا مهم ترین و اصلی ترین فضا - برای تامین نور، تهویه، ارتباط درونی و برخی کارکرد های دیگر برای خانه است. جای گرفتن فضاهای ساخته شده در پیرامون حیات و به ویژه در حیات خانه های بزرگ و بسته شدن این گونه حیات ها در چهار سمت با اطاق ها یا دست کم با دیوار، سبب نام گرفتن آن به حیات مرکزی شده است. در متون کهن آن را میان سرا خوانده اند (بوطاهر سمرقندی 1343، 59).

حیات مرکزی عنصری است که از دیرباز به عنوان ساختار در طراحی خانه ها در معماری سنتی ایران بوده است و با گذشت زمان و تکامل تجربیات گذشتگان همواره شاهد غنی تر شدن آن در طول تاریخ بوده ایم. از آنجا که حیات مرکزی متاثر از اقلیم بوده، اقلیم های مختلف سبب تولید گونه شناسی مختلفی از حیات مرکزی گردیده است. طراحی حیات های مرکزی تنها به هدف ایجاد



## همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران

یزد - بهمن ماه ۱۳۹۴

National conference of native architecture & urbanism of IRAN



یک عنصر تزئینی ساخته نمیشدند بلکه معمار ایرانی با هنر خود و با رویکردی پایدار، سبب شکل گیری حیاط هایی متناسب با هر اقلیم در هر یک از مناطق شده است. در واقع حیاط مرکزی محیطی پاسخده به مشکلات اقلیمی هر منطقه بوده که ضمن توجه به نیاز های زیباشناختی و عمل گیری هماهنگ با شرایط اقلیمی بستر خود شکل میگرفته است حیاط مرکزی در ابعاد و اندازه های مختلف وجود داشته و کاربریهای اطراف حیاط نیز با توجه به اقلیم ها متفاوت بوده است در خانه های سنتی با طراحی حیاط مرکزی از انرژی های تجدید پذیر مانند هوا، نور و ... همراه با فضای سبز استفاده شده است نقش کیفی مولفه های اصلی تشکیل دهنده حیاط مانند ایوان حوض آب و باغچه می باشد.

### موارد مختلف استفاده حیاط در خانه های ایرانی

- حیاط به عنوان نشانه حریم تملک.
- حیاط وحدت دهنده چند عنصر خانه.
- حیاط ارتباط دهنده چند فضا.
- حیاط برای ایجاد محیطی سرسبز و با نشاط.
- حیاط به عنوان یک هواکش مصنوعی برای گذر جریان بادهای مناسب.
- حیاط عنصری مهم در جهت سازماندهی فضاهای مختلف.
- حیاط به عنوان حریمی امن و آرام برای آسایش خانواده.

در معماری مسکن های حیاط دار یک یا چند مورد از عملکردهای یاد شده را می توان مشاهده کرد. شاید ابتدایی ترین نحوه کاربرد حیاط برای ایجاد نشانه ای از تملک باشد. البته ایجاد حصار صرفا به وسیله دیوارهای بلند صورت نگرفته است. بعضی از قبایل کوچ نشین حریم سیاه چادرهای خود را با دیوار کوتاه سنگی معین میکنند. بناهای حیاط دار در ایران قدمتی در حدود هشت هزار سال دارند. بناهای مختلف و خانه بطور اخص تا رسیدن به شکل حیاط مرکزی کامل زمانی در حدود شش هزار سال را طی کرده اند. در خانه های باستانی تپه زاغه متعلق به هزاره ششم ق.م نمونه یک خانه حیاط دار بسیار ساده با یک اتاق و انباری کوچک تلاشی ابتدایی برای شکل دادن حیاط بوده است. حیاط در شکل های کامل تر خود و نزدیک به حیاط مرکزی در یک ساختمان معروف به ساختمان سوخته در تپه حصار دامغان کاوش شده است.

ساختمان دیگر به نام ساختمان سوخته در تپه باستانی حسنلو (1000-800 ق.م) با دو حیاط که فضای مسکونی رابط آن دو حیاط می باشد دیده شده است. بنا بر نظر گیرشمن چغازنبیل در ابتدا با حیاط مرکزی ساخته شده بود. پارتها در معماری خود از حیاط به مفهوم خاص حیاط مرکزی استفاده کرده اند. آثار به جا مانده از این دوران کوه خواجه در سیستان و هترا و آشور میباشد. ساسانیان در ادامه این شیوه خاص بناهای کاخ سروستان کسری در تیسفون و کاخ خسرو در قصر شیرین را ساخته اند.



## همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران

یزد - بهمن ماه ۱۳۹۴

National conference of native architecture & urbanism of IRAN



کاخ آشور از قرن اول و دوم میلادی با چهار ایوان در چهار طرف حیاط ساخته شده است. محققان معماری ایران شناس این طرح را الگویی برای ساخت مساجد چهار ایوانی با حیاط مرکزی در صدر اسلام معرفی کرده اند. برای نمونه میتوان مسجد جامع فهرج از قرن اول هجری مسجد تاریخانه دامغان و مسجد جامع ناین را نام برد. در دوره های بعد با تلفیق چهار ایوان و حیاط مرکزی نمونه شاخص مساجد ایرانی شکل گرفته است. از خانه های صدر اسلام در ایران با تاکید بر درونگرایی در مناطق جرجان و سیراف که دارای حیاط میباشند می توان نام برد.

### حیات مرکزی و ملاحظات اقلیمی

خانه های بومی کویر با فضاهای باز مرکزی به نحوه تحسین برانگیزی در جهت سازگاری با اقلیم طاقت فرسای کویر عمل می کنند. به واقع شرایط اقلیمی امری تعیین کننده در شکل گیری فضاهایی نظیر حیات مرکزی و محوریت حیات های باز در این معماری هستند. نادر اردلان نیز سازمان دهی فضا در معماری سنتی ایران را مولود عوامل چون اقلیم می داند و می گوید «مقدم بر همه، شرایط اقلیمی است که حیات مداری را در معماری، برای زندگی سالم در این منطقه، واجب می گرداند» (نادر اردلان، 1380، ص 15). در این حیاط ها همه عناصر متشکله خانه دست به دست هم می دهند و اقلیمی کوچک قابل زیست فراهم می کنند. آن ها مانند یک عنصر هوشمند در مقابل سرما، گرما، رطوبت و باد عمل می کنند و چون واحه ای طبیعی، نور، آب، باد و گیاه را گرد هم می آورند تا در شرایط نامطلوب محیطی آسایش ساکنان را فراهم کنند. حیاط های مشجر داخلی با حوض و سطوح گیاه کاری شده کم آب خواه، یکی از موثرترین عوامل ایجاد رطوبت در مناطق خشک کویر می باشد. اتاق ها که فقط به این حیاط ها باز می شوند در برابر باد و طوفان شن حفاظت می شوند (کسمایی، 1363). در پدیداری این خرد اقلیم جهت گیری آگاهانه نسبت به گردش خورشید، نقشی اساسی ایفا می کنند. «معماران بومی بر پایه تجربیاتی که از ویژگی های آب و هوایی، تابش آفتاب و سوی وزش باد و دیگر عوامل داشته به شیوه ای از سوییابی خانه برای اقلیم های گوناگون ایران رسیده بودند سه رون بنیادی عبارت بودند از رون راسته، رون اصفهانی، رون کرمانی» (پیرنیا، 1387، ص 135).

### حیاط مرکزی و پاسخگویی به نیازهای ساکنین (احترام به ساکنین)

«نیازهای انسانی سه گروه نیازهای انسانی، نیازهای اجتماعی-اقتصادی و نیازهای ادراکی هستند. نیازهای اساسی شامل نیازهای زیستی، ایمنی و امنیت، نیازهای اجتماعی-اقتصادی شامل حس تعلق اجتماعی، تنوع، خلاقیت و جذابیت محیط و نیازهای ادراکی شامل آگاهی، یادگیری و زیبایی هستند» (فریادی، 1383). مازلو نیز نیازهای انسانی را به دو گروه نیازهای اساسی یا اولیه و نیازهای برتر دسته بندی و در یک نظام سلسله مراتبی از قوی ترین تا ضعیف ترین ردیف می کند.

از سویی هدف معماری رفع نیازهای مذکور است. «معماری با هدف سامان بخشی به فضای زیست انسان، حامل تصویری است که از فضای منتظر معماری برای زیست لایق انسان انسان نشئت گرفته است» (ندیمی، 1389). زوی معتقد است معماری خوب، معماری است که انسان را جذب کند، او را تربیت کند و او را به لحاظ معنوی رام می کند (زوی، 1388، ص 29). بر همین اساس موجود انسانی با تمامی طیف وسیع و بی نهایت فردی، اجتماعی، تاریخی و جغرافیایی خود موضوع اصلی آثار معماری است. معماری نه تنها به لحاظ منشا انسانی است بلکه به لحاظ هدف نیز انسانی است. خانه های بومی کویر به واسطه فضای باز مرکزی که بسان قلب تپنده خانه عمل می کند طیف وسیع نیازهای انسانی را برآورده می کنند. مقایسه این خانه ها با هرم مازلو حاکی از این مهم است که در این معماری تنها نیازهای سطح پایین انسانی از قبیل نیازهای فیزیولوژیک مد نظر نبوده اند بلکه نیازهای سطح بالاتر از قبیل ایمنی، تعلق و عشق، عزت نفس، زیبایی شناختی و خودشکوفایی تامین شده است.



## همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران

یزد - بهمن ماه ۱۳۹۴

National conference of native architecture & urbanism of IRAN



موضوع مهم و قابل بررسی دیگر در این خانه ها، نقش هویت مندی و هویت بخشی الگوی حیاط مرکزی است. هویت به معنای حس تعلق و این همانی با محیط است و معیارهایی همچون احساس امنیت، خاطره انگیزی، حس تعلق و وابستگی به منظور ارزیابی هویت تدوین شده اند (دانشپور، ۱۳۷۹). ادراک هر فضا تنها برگرفته از رفتارهای غریزی نبوده بلکه منتج از زمینه های فرهنگی و اجتماعی نیز به شمار می رود. زمانی می توانیم فضایی را شناخته که به معنای نمادین فرهنگی و اجتماعی آن واقف باشیم. در صورت عدم درک آن معنا، فضا را به درستی نفهمیده و یا در آن احساس راحتی نخواهیم کرد. در نتیجه ناهمخوانی انسان با فضا موجب ایجاد این همانی کمتر و در پی آن بحران هویت می گردد (پاکزاد، ۱۳۷۵). حیاط مرکزی بهشت خصوصی خانه است. به واسطه تداوم حضور در این بهشت حس مکان، احساس تعلق و دلبستگی به مکان در ساکنین پدیدار می گردد «این حس به گونه ای به پیوند فرد با مکان منجر می شود که انسان خود را جزئی از مکان می داند و در نتیجه مکان برای او مهم و قابل احترام می شود» (فلاح، ۱۳۸۵). حیاط های مرکزی مکان هایی هویت مند هستند و از آنجا که هویت مکان، بخشی از هویت شخصی است لذا این عناصر بومی نقش بسزایی در احراز هویت ساکنان ایفا می کنند. در واقع الگوی حیاط مرکزی واجد ویژگی های ارزشمندی است که هویت بخشی به کل بنا و حتی ساکنین را میسر می سازد. برخی از این ویژگی ها عبارتند از: ارتباط با طبیعت، احترام به حریم خصوصی، تامین آسایش، درونگرایی، خلوت، جداسازی عرصه خصوصی از عمومی، رعایت سلسله مراتب دسترسی، پویایی، سرزندگی، خوانایی، تباین فضایی با محیط اطراف، انطباق با فرهنگ و مذهب ساکنین، امنیت روانی و...

### حیاط مرکزی و کل گرایی

روانشناسی گشتالت یک کل مورد ادراک را نتیجه مجموع و با این حال، بیش از مجموع آنها می داند. یک پدیده به صورت مجرد و مجزا از پیرامون خود قابل تصور نیست و پدیده ها تنها در انحصار نیروها، جوهره و ویژگی های درونی خود نیستند بلکه به محیط و مجموعه پیرامون خود وابسته اند و در تعامل با یکدیگرند.

در شهرهای بومی ایران در ترکیب سرپناه ها نوعی پیوستگی و در هم آمیختگی وجود دارد که درک اجزای آن به صورت لاینفک ممکن نیست. در این شهرها هسته های طبیعی در کانون و با تهی کردن میانه هر قلمرو، در قالب حیاط های مرکزی شکل گرفته اند. در این تجمع های زیستی کیفیت کالبدی نوینی پدید آمده است که عموماً فضا محور است نه حجم انگار (احمدی، ۱۳۸۴). فضاهای باز در معماری بومی کویر با نگاهی کلی نگر و همه جانبه خلق شده اند و همین دید کل نگر، رمز ماندگاری این الگو بوده است. فضا محوری عامل پدیداری یک کل منسجم و پیوسته در بناها و شهرهای بومی ایران است و فضای باز حیاط مرکزی به عنوان عنصری وحدت بخش در ایجاد یک کل منسجم و همسو با عوامل پایدار نقش اصلی را بازی می کند.

### نتیجه گیری:

معماری در بستری از فرهنگ شکل می گیرد و نمیتواند جدا از فرهنگ باشد و این دو امر بر هم مؤثر هستند. علاوه بر فرهنگ، اقلیم نیز در معماری بسیار مؤثر است. معماری در بستر و زمینه ای شکل می گیرد که عوامل بسیاری می تواند در آن تأثیر گذار باشد و در فضای تهی شکل نمی گیرد.

معماران ایرانی با ساختن خانه های درونگرا در مناطق گرم و خشک، آب و هوای مطلوب در خانه را ایجاد می کردند. پس درونگرایی در معماری ایران نه تنها امنیت و محرمیت را در بر می گیرد بلکه متناسب با آب و هوای اقلیم نیز هست در سرزمین های میانی و گرم خشک، خانه های درونگرا راه حل مناسبی برای خشکی هوا، با دمای آزاردهنده و آفتاب تند هستند.

حیاط مرکزی باعث هویت بخشی به کل بنا و حتی ساکنین می شود که برخی از این ویژگی ها عبارتند از:

ارتباط با طبیعت، احترام به حریم خصوصی، تامین آسایش، درونگرایی، خلوت، جداسازی عرصه خصوصی از عمومی، رعایت سلسله مراتب دسترسی، پویایی، سرزندگی، خوانایی، تباین فضایی با محیط اطراف، انطباق با فرهنگ و مذهب ساکنین، امنیت روانی و...





## همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران

یزد - بهمن ماه ۱۳۹۴

National conference of native architecture & urbanism of IRAN



و همچنین حیاط مرکزی به عنوان عنصری وحدت بخش در ایجاد خانه ای منسجم و همسو نقش اساسی و بسزایی ایفا می کند.

در این پژوهش به نقش حیاط مرکزی در خانه های ایرانی پرداختیم تا بتوانیم به اهمیت حیاط مرکزی در معماری ایرانی بپردازیم تا شاید این پژوهش انگیزه ای برای ساخت دوباره چنین خانه هایی در ایران شود.

### مراجع:

1. اردلان نادر ، لاله بختیار ، (1380) ، حس وحدت ، ترجمه حمید شاهرخ ، اصفهان ، نشر خاک .
2. ادوارد ، برایان ، (1389) ، ترجمه ایرج شهروز تهرانی ، رهنمون هایی به سوی معماری پایدار ، تهران ، نشر مهر ازان .
3. احمدی ، فرهاد ، (1382) ، حیاط مرکزی در معماری ایران ، دو فصلنامه صفا ، شماره 41 ، پاییز وزمستان .
4. احمدی ، زهرا ، (1388) ، زمینه گرایی و معماری پایدار ، همایش معماری پایدار ، دانشگاه آزاد همدان .
5. پیرنیا ، محمد کریم ، (1384) ، سبک شناسی معماری ایرانی ، تهران ، ناشر سروش دانش .
6. توسلی ، محمود ، (1381) ، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران ، پیام ؤ تهران ، پیوند نو .
7. توسلی ، محمود ، (1376) ، اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران ، جلد اول ، چاپ چهارم ، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهر سازی ایران .
8. حائری ، محمدرضا ، (1388) ، نقش فضا در معماری ایران ، تهران ، دفتر پژوهشهای فرهنگی .
9. راپاپورت ، آموس ، (1388) ، انسان شناسی مسکن ، ترجمه خسرو افضلیان ، تهران ، حرفه هنرمند .
10. طاهباز ، منصوره ، (1375) ، اصول یک مهماری کویری ، فصلنامه صفا شماره 91 و 20 ، پاییز وزمستان .
11. قبادیان ، وحید ، (1377) ، بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران ، دانشگاه تهران ، تهران ، موسسه انتشارات و چاپ .
12. کاتب ، فاطمه ، (1384) ، معماری خانه های ایرانی ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، تهران ، سازمان انتشارات و چاپ .
13. کاک نیلسن ، هالگر ، (1389) ، معماری همساز با اقلیم ، ترجمه فرزانه سفلائی ، تهران ، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری .
14. کسایی ، مرتضی ، (1363) ، اقلیم و معماری ، تهران ، شرکت خانه سازی ایران .

### مراجع لاتین

1. Ahmad Ibn Hossein Ibn Ali Kateb ,1978,Tarikh Jdid Yazd ,compiled by Iraj Afshar,Amir Kabir ,Tehran.
2. Fazloallabe Ibn Rzbehan Alesfahani, 1982,Solok Almolok, edited by Mohammad NezameAdin.
3. Sustainable Architecture and Building Design (SABD)
4. <http://www.arch.hku.hk/research/BEER/sustain.htm>